



کاغذ کاهی به عنوان یک کاغذ ارزان قیمت و غیرقابل آرشیبو کردن برای چاپ روزنامه و موارد مختلف تبلیغاتی ساخته شد؛ اما امروزه استفاده از کاغذ کاهی در کتاب های نقاشی و رنگ آمیزی کودکان هم محبوب شده است. البته هنرمندان در رشته ی نقاشی هم بر این باور هستند که سطح صاف کاغذهای کاهی برای اسکچ های سریع با پاستل، مداد رنگی، زغال و دیگر وسایل خشک عالی است؛ اما به علت زوال رفتن کاغذ کاهی بر اثر گذشت زمان نباید از این کاغذ برای آثار هنری نهایی استفاده کرد. به عنوان مثال یک هنرمند 100 کاغذی را که برای تمرین، طراحی ایده و اسکچ کردن قبل از خلق اثر اصلی استفاده می کند، کاغذ کاهی است و از یک کاغذ مرغوب تر برای اثر نهایی استفاده می کند.

کاغذ کاهی یک ماده شیمیایی به نام لیگنین که در چوب یافت می شود را در خودش دارد و به همین علت بعد از گذشت زمان و قرار گرفتن در معرض اکسیژن تغییر رنگ می دهد، زرد می شود، شکننده می شود و در کل رو به خرابی می رود. این کلمات حالت مقایسه ای با انواع دیگر کاغذ دارند و کاغذ کاهی اندر که از توضیحاتش پیداست بد نیست و گرنه اصلاً تولید نمی شد یا استفاده های متنوعی نداشت. در کل می توان گفت کاغذ کاهی عمر کوتاه تری نسبت به کاغذهای دیگر دارد و باید بر اساس همین خصوصیت از آن استفاده کرد.

عمر کوتاه کاغذ کاهی برای هنرمندان اندوه بزرگی است چون هیچ کاغذی بهتر از کاغذ کاهی برای اسکچ کردن و طراحی با زغال و مداد طراحی وجود ندارد. اکثر هنرمندان اگر به طور اتفاقی روی کاغذ کاهی اثر غیرقابل تکراری خلق کنند توسط چاپ جیکلا از روی آن روی کاغذ باکیفیت تری پرینت می گیرند و آن اثر را به فروش می گذارند، پس اگر روی کاغذ کاهی مونالیزای دوم را خلق کردید نگران نباشید، همیشه راه حلی وجود دارد!

مشکل کاغذهای گران قیمت، غیر اسیدی و قابل آرشیو شدن که تحت پروسه های مختلف تمام مواد به اصطلاح مشکل دار از آن ها جدا شده و طوری طراحی شده اند که تا بعد از ابدیت هم سالم بمانند این است که اصلاً به اندازه ی کاغذ کاهی با زغال طبیعی و حرکت های دست سازگاری ندارند. برعکس کاغذ کاهی همچنان به همان روش قدیمی که در سال 1844 انجام می شد ساخته می شود. این کاغذ تحت یک پروسه ی مکانیکی از خمیر چوب ساخته می شود و تحت پروسه های شیمیایی قرار نمی گیرد و ناخالصی هایش را دارد و همین باعث می شود جنس صاف تری داشته باشد که با حرکات دست سازگاری دارد. پروسه هایی که کاغذهای مرغوب تر آن را پشت سر می گذارند بیشتر برای جدا کردن لیگنین و تغییر پی اچ کاغذ است یا برای افزودن خاصیت هایی که کاغذ خالص از آن برخوردار نیست برای همین ممکن است جنسش زبردست کمی زبرتر و قطورتر از کاغذ کاهی حس شود. حالا تفاوتی که زبردست حس می شود ممکن است برای انسان های معمولی که با لوازم هنری سروکار ندارند ناچیز به نظر بیاید اما افرادی که به صورت حرفه ای کارهای هنری انجام می دهند کاملاً متوجه این تفاوت ها و تأثیر آن روی حرکت دست و عمل نقاشی می شوند و مهم تر از همه نحوه ی اجرای مداد و زغال روی این کاغذ ها بسیار متفاوت است.



اگر روی کاغذ نرم کاهی لکه‌های توسط دست و انگشت‌ها ایجاد شود (اتفاقی که زیاد در طراحی می‌افتد) به‌راحتی با یک پاک‌کن پاک می‌شوند و رنگ اصلی کاغذ دیده می‌شود. این اتفاق به‌راحتی روی کاغذهای به‌اصطلاح غیر اسیدی نمی‌افتاد و به پاک‌کن‌های مخصوص نیاز است. بسیاری از نقاش‌ها بر این باورند که لک کردن و پاک کردن عادت خوبی نیست و در قرن نوزدهم توصیه می‌شد (بهتر است بگوییم دستور داده می‌شود) طوری طراحی کنید که کف دست با کاغذ برخورد نداشته باشد؛ اما بسیاری از نقاش‌ها و طراح‌های معروف اعتراف کرده‌اند که آن‌ها هم گاهی وقت‌ها تنبلی می‌کردند و همان روش لک کردن و پاک کردن را پیش می‌گرفتند.

بعضی از آرتیست‌ها روی کاغذ کرافت، کاغذ آ-4 یا کاغذهای ممتاز و باکیفیت طراحی می‌کنند اما کاغذ کاهی مخصوصاً با جنس نرم و رنگ روشنی که دارد (این موارد باعث می‌شوند زغال و مداد طراحی بهتر خصوصیات و رنگ‌هایشان را نشان بدهند) همچنان پرفرودارترین انتخاب بین هنرمندان است.

به دلایل ارزان بودن و راضی‌کننده بودن کار روی کاغذ کاهی، این کاغذ یکی از کاغذهای محبوب برای یاد دادن طراحی فیگور در مدارس هنری است. آقای فرانک رایلی که به هزاران طراح موفق را در طول زندگی‌اش آموزش داد و متد مخصوص به خودش را به وجود آورده بود با دانش‌آموزانش روی کاغذ کاهی کار می‌کرد.

آقای آلبرت واسرمن که جایزه‌ی پولیتز را برای بهترین نقاشی از آکادمی دیزاین در سال 1940-1941 و مدال نقره برای بهترین طراحی را دریافت کرد، همچنان روی کاغذ کاهی طرح می‌زند. اگر بخواهیم به‌خصوص صحبت آقای واسرمن روی دفتر های 18*24 کاهی طرح می‌زند و به گفته‌ی خودش گاهی اوقات از هر دو طرف صفحه استفاده می‌کند چون فراموش می‌کند دفتر جدید طراحی جدید بخرد و همیشه به خودش می‌گوید که باید عادت کند روی کاغذهای ممتاز طراحی کند اما می‌داند هیچ‌چیزی مثل کاغذ کاهی نمی‌شود.



آلبرت واسرمن، نگهبان نوتردام، جوهر و زغال، سال 1983

یکی از دغدغه‌هایی که هنرمندان با آن سروکله می‌زنند از بین رفتن لوازم موردنیاز نقاشی است. به‌عنوان مثال ممکن است یک وسیله‌ی مشخص دیگر توسط کمپانی‌اش تولید نشود یا کیفیتش تغییر کند. ممکن است دیگر وارد یک کشور خاصی نشود یا به علت مسائل اقتصادی قیمتش چند برابر شود. کاغذ کاهی همچنان یکی از لوازم عزیز برای هنرمندان و طراحان است که بسیاری به آن عادت کرده‌اند و در هر جای دنیا جزو مقرون به صرفه‌ترین لوازم نقاشی است. امروزه با از بین رفته و بسته شدن بسیاری از روزنامه‌های معروف و همین‌طور روی آوردن مردم به نسخه‌ی آنلاین مجلات به‌جای نسخه‌ی چاپی، ممکن است این کاغذ دیگر تولید نشود یا به نرمی و صافی قبل نباشد. مورد اول در آینده‌ی نزدیک اتفاق نمی‌افتاد اما مورد دوم همین‌الان در حال اتفاق افتادن است، پس بهتر است تا جایی که می‌توانید از برند کاغذ کاهی محبوبتان استفاده کنید.